

آثار تربیتی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید حسین حسینی^۱

سیده آمنه حسینی^۲

چکیده

پروردگار جهانیان برای تربیت انسان‌ها، انبیا و اولیایی را فرستاد تا بشر زیر سایه تربیت آنان به کمال برسد. این سلسله از اول خلقت شروع شده است و تا پایان ادامه دارد؛ اما در طول این مسیر، علل و عواملی مثل جهل، غفلت، سکوت و یا ناسپاسی مردم، به تغییراتی منجر شد؛ تا جایی که آخرین امام معصوم از دیدگان غایب گردید. غیبت با ایجاد حس نیاز به امام، از جهاتی سبب تربیت انسان‌ها خواهد شد و ایشان را به رشدی خواهد رساند که آماده پذیرش ولی الهی شدند و غیبت پایان یابد. از این رو، شناسایی آثار تربیتی غیبت، برای پذیرش آن‌ها بسیار مهم می‌نماید که این تحقیق به دنبال شناسایی این آثار است.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای سازماندهی شده است. این تحقیق، بعد از مفهوم شناسی به آثار تربیتی غیبت در بعد فردی و اجتماعی در آیات و روایات پرداخته است. نتایج تحقیق عبارتند از: آثار تربیتی غیبت در بعد فردی: ۱. خودسازی و آمادگی فردی؛ ۲. به یاد امام بودن؛ ۳. عدل طلبی؛ ۴. دعا برای تعجیل در ظهور؛ ۵. تقوا و دوری از گناه؛ ۶. نظم و برنامه ریزی؛ ۷. دین شناسی بنیادین. آثار تربیتی غیبت در بعد اجتماعی عبارت است از: ۱. ظلم ستیزی و اصلاح طلبی؛ ۲. آمادگی و جهاد؛ ۳. زنده کردن امید به آینده؛ ۴. تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی؛ ۵. مهربانی و خیر خواهی؛ ۶. ایثار و فداکاری؛ ۷. بصیرت و آگاهی.

واژگان کلیدی: تربیت، غیبت، امام عصر، آثار غیبت.

۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه قم. Hosain.hosainy213@gmail.com
۲. طلبه سطح دو حوزه علمیه الزهرا دزفول. Sydhamnh768@gmail.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های بعثت انبیا (علیهم‌السلام) که در آیات قرآن نیز به صراحت بیان شده است، تربیت و تزکیه انسان‌ها می‌باشد. انبیا (علیهم‌السلام) در هر عصر و جامعه‌ای، به عنوان مربیان الاهی نقش مهمی در تربیت انسان‌ها داشته‌اند. بعد از آخرین فرستاده الاهی؛ حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، اولیا و جانشینان منصوص و بر حق ایشان نیز تمام تلاش خویش را برای تربیت افراد به کار گرفتند؛ اما با غیبت امام زمان (عج)، با توجه به عدم بهره‌مندی کامل از وجود ایشان (هرچند طبق اعتقاد قطعی شیعه، امام، زنده و ناظر است و زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی نخواهد بود)؛ باید امر غیبت از جنبه‌های مختلف مورد دقت قرار گیرد. یکی از جنبه‌های مهم در مقوله غیبت که باید مورد بررسی دقیق واقع شود، جنبه تربیتی آن است؛ بدین معنا که اگر مربی انسان‌ها، یعنی امام، غایب شده است، این گونه حضور چه آثار تربیتی برای مردم خواهد داشت؟ اهمیت دانستن این نکات تربیتی، وقتی دو چندان می‌شود که گاه، تحقق ظهور حضرت به تکامل نفوس با توجه به همین نکات تربیتی است؛ یعنی خداوند، ولی خود را غایب می‌کند تا با ایجاد حس اضطراب به امام معصوم در مردم، آن‌ها به خود بیایند و با توجه به آنچه لازمه ظهور ایشان است، خود را با توجه به مسائل تربیتی، رشد دهند. با ایجاد ظرفیت تحمل ولی خدا در خود و جامعه، مقدمات پایان یافتن غیبت نیز فراهم می‌شود.

بر اساس بررسی‌های نگارنده، در این زمینه، تحقیق مستقلی یافت نشد؛ کتاب‌ها و مقالاتی نزدیک به این موضوع ملاحظه می‌شوند که از آن جمله می‌توان به «آثار تربیتی انتظار حضرت مهدی (عج)»، از رضوان حیدر؛ «غیبت امام زمان (عج)»، از محمد ابن حسن طوسی؛ «عطر انتظار» از سید محمد رضا طباطبایی اشاره کرد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی و مطالب آن با شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد و در پی پاسخ به این سوال است که آثار تربیتی غیبت حضرت ولی عصر (علیه‌السلام) کدام‌اند؟

مبنای این پژوهش نقش و تاثیری است که مؤلفه‌های تربیتی می‌توانند در زمان غیبت امام عصر (علیه‌السلام) بر زندگی فردی و اجتماعی داشته باشند.

مفهوم‌شناسی

قبل از این که به مباحث پژوهشی بپردازیم، ضروری است در این بخش معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌های تربیت و غیبت را بررسی کنیم.

تربیت: لغت شناسان «تربیت» را چنین معنا کرده‌اند: «تربیت» در لغت به معنای رشد و نمو و پرورش دادن است.^۱ راغب اصفهانی بر آن است که تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجामी که آن را سزد، برسد.^۲ تربیت به معنای پرورش در جهت رشد و کمال^۳ است و در اصطلاح حقوقی نیز تربیت به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال به کار رفته است.^۴ اندیشمندان اسلامی، قائل هستند اصل تکلیف و نیز عقل و اراده آدمی نشان از آن دارد که انسان تربیت پذیر است.^۵ تربیت از منظر دین عبارت است از: رشد الاهی، طهارت، حیات طیبه، قرب، رضوان، تزکیه و تهذیب نفس.^۶

غیبت: در تعریف «غیبت» چنین بیان شده است: «غیبت» در لغت از «غ-ی-ب» گرفته شده است و بر چیزی که از دیده‌ها پنهان باشد، دلالت می‌کند^۷ و در اصل درباره پنهان شدن خورشید و ماه و ستارگان به کار می‌رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن، از دیدگان رفته است و دیگر دیده نمی‌شود^۸ و در اصطلاح مهدویت به پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود.

بر این اساس، امام زمان در این زمان غایب است و شخص ایشان در حالی که میان مردم است، شناخته نمی‌شود. این غیبت به این لحاظ که فعل خداوند متعال است و از حکمت خداوندی خارج نیست، قطعاً دارای آثار متعددی است و بر مردمان است که با توجه به آثار مترتب بر غیبت امام زمان خود، راه رشد را بیمایند. در ادامه به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

۱. آثار تربیتی غیبت در بعد فردی

آثار غیبت را به لحاظ تربیتی می‌توان به دو بخش «آثار فردی» و «آثار اجتماعی» تقسیم کرد که در ذیل به برخی از آن آثار در بعد فردی اشاره می‌شود:

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۷.
۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۸۴.
۳. امامی، حقوق معدنی، ج ۵، ص ۱۹۰.
۴. صفایی، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۴۹۰.
۵. شریعتمداری، تعلیم تربیت اسلامی، ص ۹۰.
۶. باقری، نگاه دوباره به تربیت اسلامی، ص ۵۳.
۷. ابن فارس، معجم، مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۰۳.
۸. عسکری، الفروق الغویه، ص ۶۳.

۱-۱. خودسازی و آمادگی فردی

یکی از آثار تربیتی غیبت در بعد فردی، «خودسازی و آمادگی فردی» است و چنین تحولی قبل از هر چیز، عناصر آماده و با ارزش انسانی نیاز است که بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشد و این، در مرحله اول، به بالاترین سطح اندیشه و آگاهی روحی و فکری برای همکاری در تحقق آن برنامه عظیم محتاج است.^۱

انتظار و ویژگی عدل برانگیز آن، به گونه‌ای است که انسان را به حرکت در مسیر متناسب با اهداف و عقاید صحیح بر می‌انگیزد و از گرایش به جهت‌های نامتناسب و ناسازگار باز می‌دارد. نقش و اثر حیاتی انتظار در انسان‌ها، تحریک آن است. به عبارتی، انتظار، عامل حرکت و زمینه ساز تحول درونی انسان است؛ چرا که منتظر امام زمان علیه السلام، مثل میزبان منتظر است که پاکیزه و آماده، شاد و چشم به راه است؛ با علم به نظارت و مراقبت خدا و حضرت و با هدف منتظر واقعی بودن و از یاران حضرتش به شمار رفتن، با کوشش برای پاکی درون و تهذیب نفس و ایجاد آمادگی روحی، برای ایجاد ارتباط روحی و عاطفی و همسنگ شدن با امام خود؛ شاد و چشم به راه امام منتظران است.

تهذیب نفس و ایجاد تحول درونی در رفتار و کردار و اعمال، وجه همت کسانی است که به امام عادل و جامعه ایده آل می‌اندیشند و با صبر و طمأنینه، به ظهور و آمدن او امیدوار هستند. اخلاق را باید اصلاح کرد؛ چرا که منتظر در فرهنگ مهدوی با قطعی و نزدیک دانستن ظهور، هر لحظه ظهور موعود عادل خود را احتمال می‌دهد. از این رو، در امر اصلاح و مهذب شدن خود، سهل انگاری نمی‌کند^۲ و با صبر در برابر گناه و هوا و هوس و کسب فضایل اخلاقی، در آمادگی خود می‌کوشد.

انسان منتظر، افزون بر تحول درون و نفس خویش، برای احیای حقوق از دست رفته و اقامه عدل تلاش می‌کند؛ چرا که انتظار، تعهدهای انسانی را در قبال خود و انسان‌های دیگر قوت می‌بخشد. انسان منتظر با مشاهده اوضاع جامعه، از خود می‌پرسد: چرا در جامعه، درگیری، ناعدالتی و ناهمی است؟! چرا برخلاف مبانی تربیتی و عقلی عمل می‌شود؟! چنین انسان صبور و خواهان عدل، منتظر روزی است که اوضاع آن به گونه‌ای باشد که اقتضای آفرینش است و لذا به خودسازی و جامعه سازی می‌اندیشد و برای آن تلاش می‌کند.

۱. طباطبایی، عطر انتظار، ج ۱۴، ص ۱۳.

۲. پطروشفسکی، نهضت سرمداران خراسان، کشاورز، صص ۷۹-۷۷.

۲-۱. به یاد امام بودن

یکی از عوامل مهم فاصله گرفتن از ولی خدا «غفلت» است. غیبت امام زمان نوعی هشدار خداوند متعال برای جامعه اسلامی است تا مسلمین به خود آیند و ابرهای غفلت را کنار زده و در صراط مستقیم الهی قرار گیرند. از این رو، غیبت امام زمان برای مومنان دارای نکات تربیتی فراوانی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها دائماً به یاد حضرت بودن است تا بتوانند از دام غفلت رهایی پیدا کنند. همان طور که در زندگی انسان مشکلات، مصایب و حوادث وجود دارد؛ همراه آن، فتنه‌ها، وسوسه‌ها و زینت‌ها به زندگی انسان متصل است و ناچار هر کدام از این فتنه‌ها و مشکلات در بعضی مواقع دل انسان را می‌لرزاند و آرامش خاطر را از او می‌گیرد و غفلت را در قلب او ایجاد می‌کند که این ضرر بارترین دشمن انسان است؛ چرا که غفلت گمراه می‌کند و انحراف در راه می‌آورد.^۱ لذا بهترین راه برای نجات از آن‌ها «ذکر خدا است»: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ و امام (علیه السلام) فرموده‌اند: «إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۳ در جای دیگر آمده است: «أَنَا إِذَا ذَكَّرْنَا ذِكْرَ اللَّهِ»^۴ یعنی ذکر خدا و ذکر معصومان (علیهم السلام) یکی است و در طول یکدیگرند. ذکر حضرت مهدی (علیه السلام) یکی از آثار انتظار است؛ با این بیان که لازمه انتظار هر منتظری که در انتظار کسی نشسته، این است که هر وقت و هر لحظه و در هر حال و در هر زمانی در ذکر منتظر خود باشد؛ زیرا منشأ واقعی انتظار برگرفته از محبت است، تا وقتی که منتظر محبوب او نباشد، منتظر او نخواهد بود.

بنا براین، کسی که در عصر غیبت و در انتظار ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است، باید تمام اوقات و حالاتش به ذکر حضرت مهدی (علیه السلام) مشغول باشد؛ زیرا ذکر آن حضرت (علیه السلام) یکی از لوازم تربیت در جهت یاری آن حضرت است.

۳-۱. عدل طلبی

انسان منتظر در عصر غیبت باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسته باشد. حکیمی در این باره می‌گوید: «منتظران ظهور مهدی که در انتظار حکومت عدل جهانی به سر می‌برند، باید پیوسته نمونه عدل و عدل طلبی باشند».^۵

۱. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۵۹.

۲. رعد: ۲۸.

۳. کلینی، اصول کافی، ایمان والکفر ج ۱، ص ۱۸۶.

۴. حر عاملی، وسائل شیعہ، ج ۱۶، ص ۳۴۵.

۵. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۸۰.

اگر فردی با اجتناب از معاصی و رعایت تقوای الهی، بتواند ملکه عدالت را در خود پدید آورد و با ایجاد تعادل در میان قوای نفسانی خود ارکان حیات اخلاقی را در وجود خویش نهادینه کند؛ می‌تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویش را با اوضاع جدید تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ کند؛ در غیر این صورت، فرد، قدرت جذب مؤلفه‌های فرهنگ عدالت محور دولت مهدی را نخواهد داشت. در عصر غیبت که باید آمدن آن عدل مطلق را منتظر بود، نگرش صحیح و سازنده به مسائل تربیتی غیبت، به انتظار پویا منجر خواهد شد؛ انتظاری که بهترین عمل نزد خداوند،^۱ با فضیلت‌ترین عبادت^۲ و آموزه‌ای است که انسان‌های منتظر را از اهل هر زمانه افضل می‌کند.^۳

۱-۴. دعا برای تعجیل در ظهور

داشتن درخواست همیشگی و واقعی برای پایان یافتن غیبت و به ثمر رسیدن آرمان الهی همه انبیا را می‌توان ثمره غیبت (که هشدار خداوند برای بیداری امت آخرالزمان است) به شمار آورد. دعا مطلقاً و به‌ویژه دعا برای تعجیل در ظهور، یکی از مهم‌ترین کارها در عصر غیبت است؛ با این بیان که دوری محبوب برای محب سنگین است، خصوصاً دوری کسی که تمام امیدها به او وابسته باشد و کسی که تمام انحراف و کجی را خاتمه خواهد داد و^۴ کسی که عدل و انصاف را بر تمام گیتی برپا خواهد کرد.^۵ دعا در عصر غیبت با توجه به این ویژگی‌ها، موجبات تربیت منتظران را فراهم خواهد کرد؛ چرا که با دعا برای فرج منجی انسان‌ها، جهت سوگیری دعاکننده نیز دوری از انحراف، انس با دعا و عمل مطابق دستورهای دین خواهد شد. از طرفی، انتظار چنین شخصی برای منتظر سخت است و لذا از عمق جان و با تمام وجود گم‌شده خود را از خدا می‌طلبید؛ طبعاً با این رویکرد، دعای او مانند دعای کسی است که در دریا گرفتار طوفان شده و کشتی‌اش شکسته شده و در حال غرق شدن است و برای نجات خود دست و پا می‌زند، و چرا چنین نباشد، در حالی که منتظر در زمان غیبت، گرفتار مشکلات متعدد می‌گردد: از یک جانب، میان موج‌های پر خروش حکومت‌های خودکامه و در دل دریای طوفانی و تاریک و در اجتماعات فاسد بشری کشتی سعادتش را شکسته می‌بیند و از جانب دیگر، دل را از دوری امام و مولایش مضطرب می‌یابد. لذا بدون ذره‌ای ظاهر سازی و خود نمایی از صمیم قلب دست

١. مجلس، بحار الانوار، ج ٥، ٢، ص ١٢٦.

٢. معجم، احاديث المهدي، ج ١، ص ٢٤٨.

٣. صافي، منتخب الاثر، ص ٢.

٤. ابن المنظر الاقامت العوج ، مفاتيح جنان، ص ٥٣٥.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۱.

به دعا بر می‌دارد و برای تعجیل ظهور آن حضرت ﷺ دعا می‌کند؛ چنان‌که در یکی از توقیعات حضرت مهدی ﷺ به این مطلب تاکید شده است: «و اکثرُوا الدعا بتعجیل الفرج فان ذلك فرجکم»^۱ و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان فرج شما است. البته طبیعی است که منتظر به دعا بسنده نمی‌کند، بلکه کسی که در حال غرق شدن است، همان گونه که برای نجات خود دست به دعا بر می‌دارد و امداد غیبی می‌طلبد؛ هیچ گاه سعی و تلاش خود را فراموش نمی‌کند.

۵-۱. تقوا و دوری از گناه

کسی که با غیبت امام زمان خود مواجه شده است و حال آن که اعتقاد دارد زمین از حجت خدا لحظه‌ای خالی نمی‌ماند^۲ و همچنین می‌داند که داشتن تقوا و دوری کردن از معصیت، مورد رضایت امامش می‌باشد و نیز غایب بودن امام را مشکلی از جانب خود^۳ و مجازاتی از جانب پروردگار می‌داند؛ تمام تلاش خود را برای کسب تقوا و دوری از گناه خواهد کرد که همین امر عوامل تربیت او را در این زمینه فراهم کند.

این امر در جهت ظهور شخصی نیز قابل استفاده است.

«مهم آن است که انسان در عصر غیبت به وظایف دینی خود عمل کند؛ از گناهان دوری کند، تقوا و پاکی داشته باشد؛ زندگی اش از راه حلال تأمین شود و اگر صلاح باشد، توفیق دیدار هم می‌یابد. در یک کلمه، چله نشینی ذکر و ختم و توسل و گریه و ناله زمینه ساز دیدار نیست، بلکه تقوا نقش عمده را دارد.»^۴

حضرت مهدی ﷺ چه بسا در میان مردم باشد و میان آنان رفت و آمد کند؛ ولی صالحان و پاکان‌اند که می‌توانند او را ببینند. با چشم پرگناه چگونه می‌توان انتظار دیدن آن تجسم پاکی و طهارت را داشت؟! کسی که بازیچه دست شیطان است، چگونه امید دارد که رخسار آفتابی آن عبد صالح خدا را ببیند؟! به شهادت تاریخ، برخی از زهاد، عالمان و عارفان وارسته به دیدار او نایل شده‌اند و لذا دیدار چهره محبوب او در عصر غیبت محال نیست؛ ولی شرط آن، صدق و صفای دل و پاکی درون و طهارت جان و حلال بودن درآمد است: «و ما هو محجوبٌ عنکم،

۱. صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. طوسی، تجرید الاعتقاد، ص ۲۲۱.

۴. محدثی، زندگی مهدوی، ص ۸۸.

ولكن حَجَبَهُ سُوءُ أَعْمَالِكُمْ؛^۱ او از شما پنهان و پوشیده نیست، بلکه کارهای بد شماست که او را از نظرتان پنهان کرده است.»

۶-۱. نظم و برنامه ریزی

اسلام دین نظم و انضباط است و از انسان می‌خواهد هماهنگ با نظام هستی، نظم را در تمام شئون زندگی حاکم کند. لذا در کلمات مولای متقیان، حضرت علی (علیه السلام) می‌بینیم که آن حضرت (علیه السلام) بعد از تقوا، نظم را مورد سفارش قرار داده است.^۲ نظم و برنامه ریزی، علاوه بر سرعت و سهولت در کار، عامل رشد و شکوفایی شخصیت انسان می‌شود.^۳

اساساً یکی از رموز موفقیت مردان بزرگ در عرصه‌های مختلف زندگی، وجود نظم و برنامه ریزی در زندگی آن‌ها بوده است. انسان‌های بسیاری توانسته‌اند از نردبان نظم، به بام مراد صعود و قله‌های افتخار را فتح کنند. بنا بر این، برای رسیدن به هر هدفی لازم است فرد، نظم و برنامه ریزی داشته باشد. در عصر غیبت، یکی از جنبه‌های تربیتی غایب شدن امام زمان، این می‌شود که منتظرانش با این تفکر که در انتظار کسی هستند که او جهان را از عدل و قسط و معنویت پر و دنیا را از هدایت سرشار خواهد کرد، انتظار چنین کسی و شرکت در چنان هدفی مستلزم طرح وسیع و نظم دقیق و برنامه جهانی است. لذا کسانی که در عصر غیبت برای زمینه سازی ظهور، طرح و برنامه ندارند، در وجود آن‌ها، انتظار به معنای حقیقی نهاده نشده است. مگر می‌توان بدون نظم و برنامه ریزی جهانی دنیا را به سعادت و خوشبختی رساند؛ آن هم در دنیایی که جبهه کفر با همه امکانات و برنامه ریزی منظم در مقابل اسلام آمده است؟ لذا بایستی «کسی که در انتظار حکومت جهانی و عدالت جهانی است، برای رسیدن به آن برنامه ریزی کند و منظم آن را دنبال کند؛ وگرنه در انتظار خود صادق نیست.»^۴

۷-۱. دین شناسی بنیادین

همان گونه که گذشت، غیبت امام مهدی، فعل خداوند متعال است و چون امری حکیمانه و هدفمند است، بر همه مومنان به حضرتش لازم است که به منظور نجات از هلاک و انحراف، به دنبال فهم دقیق تر و عمیق تری از دین اسلام باشند. فهم بهتر از دین، شرط فهم کردن غیبت امام زمان و در سایه آن، درک بهتر انتظار واقعی است. «مطالعه تاریخ، نشان می‌دهد که

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۳. قمی، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۵۴۷.

۴. حیدر، آثار تربیتی انتظار، ص ۸۶.

ادیان، بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان‌های متمادی، آرام آرام از خلوص نخستین خود فاصله می‌گیرند و خطوط اصلی و فرعی آنها، با حذف و اضافه، تبدیل و تغییر، تأویل و تفسیر و دچار تحریف می‌شوند. هرگونه تحریفی، از يك نظر، به دو دسته لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. درباره وقوع تحریف در اسلام باید گفت: هر چند در کتاب آسمانی (قرآن کریم) تحریف لفظی راه نیافته است؛ اما در طی چهارده قرن گذشته، عواملی چون تفسیر به رأی یا کج فهمی قرآن، فقدان بخشی از منابع حدیث، سیره و سنت، جعل حدیث، تحریف تاریخ و شخصیت‌ها، نفوذ فرهنگ‌های بیگانه و پیدایش رگه‌های نفاق، مهجور شدن وحی از صحنه‌های زندگی اجتماعی و حیات سیاسی، ترویج اسلام شناسی‌های مسموم و مغرضانه، مانند تک بُعدی دیدن دین، همگی به نوعی در محدود ساختن خلوص اسلام نقش داشته‌اند.^۱

در زمان غیبت، طبق سفارش متعدد ائمه اطهار، لازم است با مراجعه به عالمان راستین و متقی، دین خود را از انحراف و کجی محافظت کنیم. از این رو، وظیفه هر فرد در جامعه منتظر در عصر غیبت است که اسلام ناب را از سرچشمه‌های اصیل آن که همان عالمان مورد تایید ائمه هستند، دریافت کنند.

بر این اساس، در زمان غیبت امام مهدی (عج)، اگر دین شناس نباشیم، قطعاً در دام افراط و تفریط خواهیم افتاد و لذا غایب بودن حضرت و لزوم پی بردن به دستورهای دین و تبعیت از این دستورها، به مثابه یک مربی، ما را به حساسیت و غیرت دینی وادار می‌کند و به تبعیت از عالمان و متخصصان راستین رهنمون می‌شود؛ همان گونه که امام مهدی (عج) این عالمان راستین را حجت بر خلق معرفی کرده است:

«...وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ و اما در رخدادها، حوادث واقعه، درباره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند من نیز حجت خدا بر آنها هستم.»^۲

۲. آثار تربیتی غیبت در بعد اجتماعی

بعد دیگری از آثار غیبت امام مهدی، در عرصه مسائل اجتماعی تحلیل و تفسیر می‌شوند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. گفتمان مهدویت سخنرانی و مقاله‌های گفتمان چهارم، ص ۲۱۳.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲.۱. ظلم ستیزی و اصلاح طلبی

آن گونه که گذشت، غیبت امام زمان علیه السلام هشداری است برای بیداری و به خود آمدن بندگان از طرف خداوند متعال؛ به گونه ای است که ایشان را به آن اضطراب و منجی طلبی بکشاند و آنان را برای پذیرش حکومت جهانی حضرتش مهیا کند. اگر این نگرش به غیبت ایجاد شود، باعث خواهد شد منتظران آن منجی الهی همیشه برای صلاح و نیکی اجتماعشان قدم بردارند و چون به دنبال نور هدایت امام هستند، از تاریکی های ظلم و بی داد دوری می کنند تا ابرهای تاریک کنار رفته و جمال آن خورشید ربانی نمایان شود. از این رو، منتظر باید «صالح» و «مُصلح» باشد.

در اسلام، درباره لزوم مبارزه با هرگونه فساد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی تأکید فراوان شده و این مهم به صورت «امر به معروف و نهی از منکر» بیان گردیده است. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقه اسلامی، وظیفه شرعی و همگانی است و نتیجه مستقیم اجرای این فریضه، اصلاح فرد و اجتماع است. در اسلام برای درک اهمیت این اصل، آیات و روایات فراوانی آمده است؛ از آن جمله: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللّٰهِ...»^۱ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ چه این که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.» امیر المومنین علیه السلام در خطبه ای فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَكُمْ: مَرُّوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا فَلَا أُجِيبَ لَكُمْ وَ تَسْأَلُونِي فَلَا أُعْطِيكُمْ وَ تَسْتَنْصِرُونِي فَلَا أَنْصُرْكُمْ»^۲ ای مردم! خداوند می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر کنید، پیش از آن که مرا بخوانید و به شما پاسخ ندهم و از من درخواست کنید، شما را محروم کنم و از من یاری طلبید و شما را یاری نکنم.»

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَجْلُ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»^۳ بی تردید امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است. امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای سترگ و

۱. آل عمران: ۱۱۰.

۲. صدوق، التوحید، ص ۳۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶.

خطیر است که سایر واجبات دینی با آن میسر می‌شود، راه‌ها امنیت می‌یابد، درآمدها حلال و مشروع و مظالم دفع و زمین آباد می‌گردد، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و امور سامان می‌یابد.»

۲-۲. آمادگی و جهاد

در برخی از روایات اسلامی آمده است که یکی از علل و حکمت‌های غیبت امام مهدی علیه السلام این است که آن حضرت به وسیله غیبت از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان آزاد می‌شود و تعهد و بیعت با هیچ حاکمی را بر عهده ندارد؛^۱ تا بر اثر نداشتن تعهد، بتواند با این رویکرد در زمان قیام خود، آزادانه تلاش کند.

در همین زمینه در بیان ائمه هدا علیهم السلام، برای زمان غیبت و برای تربیت نسلی که آماده و پذیرای حضرت بقیة الله علیه السلام خواهند شد؛ راهنمایی‌ها و راهکارهایی ارائه شده است. این راهکارها برای تربیت نسل تراز ظهور حضرت در سایه غیبت امام مهدی و در طول زمان رخ خواهد داد. لذا امامان برای این نسل در زمان غیبت، «انتظار فرج» را واجب اعلام کرده‌اند و این انتظار، هیچ‌گاه به معنای خودسپاری به قضا و قدر نیست، بلکه منظورشان از انتظار، آمادگی دائم و شبانه‌روزی برای جنگیدن در رکاب مهدی علیه السلام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر یک از شما شیعیان باید [خود را] برای قیام قائم، آماده کند، هر چند با یک تیر باشد.»^۲ همچنین به شیعه توصیه شده است که هر روز با خواندن دعای عهد، با حضرت بیعت و خود را برای قیام آماده کند. آن‌جا که می‌گوید: «... مرا از شهیدان رکابش قرار بده!»^۳

بدین گونه، انتظار شیعه برای ایجاد حکومتی عادلانه او را آرمانگرا کرده است. این آرمانگرایی، روحیه‌ای انقلابی به شیعه بخشیده؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ غیبت، پرچمداری انقلاب را همواره بر عهده گرفته است؛ به بیانی دیگر:

«نظریه‌ای تاریخی وجود دارد که بالقوه زمینه ساز فرضیه انقلاب می‌تواند باشد... بر این اساس که امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام در سال ۸۹۳ میلادی ناپدید شد و در نهایت، برای ایجاد عدالت در دنیا ظاهر می‌شود. به طور اصولی شیعه متوجه شده

۱. خزاز رازی، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر، ص ۲۲۵.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰.

۳. قمی، مفاتیح الجنان، دعای عهد امام زمان.

است که بین این دو تاریخ، عدالت واقعی در دنیا وجود ندارد که به طور بالقوه نظریه انقلابی است.^۱

بر این اساس، شیعیان با صبر و تحمل در برابر دشواری‌های راه و بهره‌مندی از روحیه عدالتخواهی، با پیروی از رهبران شیعی و حفظ وحدت و همدلی، با حضور در صحنه‌های پیکار نظری و عملی و با همکاری انسان‌های خداجو و عدالتخواه، آماده قیام می‌شوند و به قیام‌های زمینه ساز انقلاب جهانی اقدام خواهند کرد.^۲ همراهی برخی مردم با مدعیان دروغین مهدویت، بر اساس همین آرمان خواهی است که متأسفانه این مدعیان برای رسیدن به اهدافشان از آن بهره برداری می‌کنند.

در اهمیت و آثار انتظار شیعه، همین بس که دشمنان در جلسات خود آن را مانع تسلط بر مسلمانان می‌شمارند؛ چنان که در کنفرانس تل آویو، مایکل امجی گفته است: «شیعیان با نام امام حسین (علیه السلام) قیام و با اسم امام مهدی (علیه السلام) قیامشان را حفظ می‌کنند.»^۳

۳-۲. زنده کردن امید به آینده

«امید» و «آرزو»، از ویژگی‌های فطری انسان هستند؛ چرا که هر دو، به آینده نگاه دارند و نمایانگر خواسته‌های بشر و گویای سعادت انسان هستند. «امید»، با عقل بشر و خواسته‌های خردمندانه و امکان پذیر همراه است؛ مثل بیمار که به بهبودی امید دارد؛ اما «آرزو» گاه با عقل هماهنگی دارد و گاه ندارد؛ مثل پیرمردی که آرزوی جوانی دارد. آرزومند، رسیدن به آرزویش را انتظار دارد؛ ولی به سوی مقصود خود قدم بر نمی‌دارد؛ در حالی که امیدوار در پی امید می‌رود و تلاش می‌کند.

امید، امری است خردمندانه که با افزایش آن، هدف و آرمان که اموری عقلانی است، به دنبال خواهد آمد و هر دو، همگام برای ایجاد انگیزه و عمل در فرد پیش می‌روند.

به عبارت دیگر، زمانی که امید در یک مبحث اجتماعی، افزایش یابد، هدف اجتماعی با آرمان بشری، همسو می‌گردد و بشر برای رسیدن به آن امید و آرمان اجتماعی باید تلاش کند و در سختی و رنج، مقاومت نشان دهد. از جمله موارد، تلاش انبیا و اولیا برای هدایت انسان‌ها به امید سعادت آنان است؛ چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «اگر خورشید را در دست راست و ماه را

۱. حسینیان، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن، ص ۱۵-۱۶.

۲. جمعی از نویسندگان، نگاهی تحلیلی به زندگی حضرت مهدی، ص ۶۹.

۳. رضوانی، موعود شناسی، ص ۹۹.

در دست چپ من بگذارید، از تلاش برای سعادت بشر دست بر نمی‌دارم.»^۱ نمونه دیگر، امید بشر به تحقق ظهور و تشکیل حکومت عدل و رحمت حضرت مهدی علیه السلام و مدینه فاضله و قرار گرفتن در زمره یاران حضرت است.^۲

از دیدگاه اسلام، انسانی که خودآگاهانه با تمام هستی ارتباطی زنده و پویا و متکامل دارد؛ دارای روان سالم است. عالی‌ترین الگوهای انسان‌های سالم نیز انبیا و اولیا هستند؛ چرا که خودآگاهانه‌ترین، پویاترین و متکامل‌ترین رابطه را با کل هستی دارند. دیگر انسان‌ها نیز به میزان بهره‌مندی شان از ملاک‌های امید و سلامت روانی که آن بزرگواران در توصیه‌های دینی خود مشخص کرده‌اند؛ از امید و در نتیجه سلامت روان بهره‌مند هستند.^۳

دانشمندان علم روانشناسی نیز درباره اهمیت آینده نگری در شخصیت افراد، سخنان قابل درنگی دارند. از نظر آپورت، داشتن هدف‌های دراز مدت، کانون وجود آدمی را تشکیل می‌دهد و بشر را از حیوان و سالمند را از کودک و در بسیاری از موارد، شخصیت سالم را از شخصیت بیمار متمایز می‌سازد.^۴ وی بر این باور است افرادی که از سلامت روان برخوردارند، فعالانه در پی هدف‌ها و امیدها و رؤیاهای خویشند و رهنمون زندگی شان معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف هیچ گاه پایان نمی‌پذیرد. اگر هدفی را باید کنار گذاشت، باید بی درنگ انگیزه جدیدی آفرید. افراد سالم به آینده می‌اندیشند و در آینده زندگی می‌کنند.

فرانکل نیز معتقد است شخصیت‌های سالم به آینده می‌نگرند و به هدف‌ها و وظایف آتی توجه می‌کنند. در واقع به چنین هدف‌هایی نیاز دارند. این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می‌تواند زندگی کند.^۵ بدون اعتقاد به آینده، محمل معنوی زندگی از میان می‌رود و روح و جسم به سرعت به فنا محکوم می‌گردد. باید برای ادامه زندگی دلیلی داشت و در راه هدفی آتی کوشید؛ وگرنه زندگی، معنای خود را از دست می‌دهد.^۶ اگر امید دارای چنین نقش تأثیرگذاری در زندگی ماست، باید به دنبال شیوه‌ای در زندگی بود که با امید به آینده روشن و بهتری همراه باشد و سبک زندگی منتظرانه در عصر غیبت واجد چنین خصوصیتی است؛ زیرا ویژگی این شیوه زندگی، با اعتقاد قلبی به قطعی بودن وعده الهی و اراده پروردگار مبنی

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۴۳.

۲. صدر، راه مهدی، ص ۲۴-۲۰.

۳. نجم، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، ص ۶۱.

۴. شولتس، روان شناسی کمال، ص ۱۶.

۵. همان، ص ۲۰.

۶. همان، روانشناسی کمال، ص ۱۶۵-۱۶۶.

بر تشکیل حکومت حق مهدوی در جهان بر مبنای این آیه شکل گرفته است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ براساس چنین اعتقاد قلبی، نیروی امید در کالبد فرد و جامعه منتظر دمیده می‌شود و همین امر پشتوانه محکمی برای فعالیت‌ها است.

۲-۴. تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی

یکی دیگر از آثار اجتماعی غیبت امام عصر علیه السلام، تلاش منتظران در این زمان برای ایجاد حکومت اسلامی است؛ ولی چون که این اثر مورد نقد و نظر است، بیان چند مقدمه لازم به نظر می‌رسد:

الف) جامعیت دین

اندک تاملی در قرآن، روایات و تاریخ اسلام، به خوبی نشان می‌دهد که اسلام، دین کامل و جامع برای نجات انسان‌ها از جانب خدای متعال است و در تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی و فردی دارای برنامه‌های آموزنده و قوانین پیشتاز است و در مسائل اجتماعی و حکومتی، مؤلفه‌هایی از قبیل حدود، دیات، قصاص، نکاح، طلاق، قضا و معاملات و حتی روابط بین ملت‌ها و حقوق بین الملل را مطرح کرده است تا قوانین دین در هر زمان و در هر جامعه اجرا شوند و این، اندیشه تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت ایجاد آن را به اثبات می‌رساند.^۲ امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«ولایت فقیه و حکومت اسلامی از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق آن می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنا که هر کس عقاید و احکام اسلامی را حتی اجمالاً دریافته باشد؛ چون به ولایت فقیه حکومت اسلامی برسد و آن را تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.»^۳

ب) تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی در عصر غیبت

همان طور که از بحث قبلی روشن شد، ضرورت ایجاد حکومت، به دلیل نیاز ندارد؛ ولی سوال این است که در عصر غیبت، آیا لازم است حکومتی داشته باشیم یا نه؟ در این مورد بین علما اختلاف نظر هست. برخی از عالمان اقامه حکومت را از شؤون امام معصوم علیه السلام می‌دانند و لذا

۱. قصص: ۵.

۲. حیدر، آثار تربیتی انتظار، ص ۱۰۶.

۳. خمینی، ولایت فقیه، ص ۵.

اقدام و تلاش برای تشکیل حکومت را در عصر غیبت به هیچ عنوان جایز نمی‌دانند.^۱ این گروه با تبلیغ این ایده که وظیفه ما در عصر غیبت فقط انتظار است و بس و ما نباید در کارهای سیاسی دخالت کنیم؛ معتقدند که این تلاش برای ایجاد حکومت در عصر غیبت، غیر مشروع و یکی از موانع ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

با نگاهی به گفته‌ها و نوشته‌های طرفداران این دیدگاه و دلایلی که به آن‌ها استناد کرده‌اند، می‌توان گفت که منشأ این باور انحرافی سه راه زیر است:

۱. برداشت نادرست از روایاتی که گسترش ستم و فساد را از نشانه‌های ظهور امام زمان علیه السلام معرفی می‌کنند؛^۲

۲. استناد به روایاتی که از هر گونه قیامی در عصر غیبت نهی و به سکوت و صبر بر بلاها دعوت کرده‌اند؛^۳

۳. تفسیر نادرست از امامت و رهبری و این تصور که تشکیل حکومت در عصر غیبت دخالت در قلمرو کار امام معصوم علیه السلام است.

اجمالاً این که این نظریه از چند جنبه مردود است و با توجه به این که نظریه مذکور، بسیاری را از حق دور کرده است و از جانبی به بحث ما ارتباط دارد، به بررسی اجمالی و نقد این دیدگاه می‌پردازیم:

اولاً، این روایات در صدد نهی از قیام و مبارزه با ستم و فسادند که با آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و همچنین با سیره ائمه معصوم علیهم السلام ناسازگارند. از این رو، باید به دیدگاه اصیل اسلامی که همان، تشویق مبارزه و جهاد است، توجه کرد. ثانیاً، روایاتی که بر فراگیر شدن ظلم در هنگام ظهور مهدی علیه السلام دلالت می‌کنند، به این معنا نیستند که همه مردم در آن زمان فاسد و ستمگرند و هیچ فرد و یا گروه صالحی در آن هنگام یافت نمی‌شود که از حق طرفداری کند که در نتیجه فراگیر شدن ظلم و فساد امری جبری باشد و مبارزه با آن غلط و در حکم مبارزه با مقدمه ظهور فرج آن حضرت علیه السلام باشد؛ زیرا به تعبیر قرآن، هنگام ظهور مهدی علیه السلام افراد صالح و مستضعف وجود دارند که آن‌ها وارث حکومت زمین به رهبری آن حضرت می‌شوند.^۴ روایات متعددی نیز بر این معنا دلالت دارند.^۵

۱. عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص ۲۹۰.

۲. مجلسی، بحالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱-۷۳.

۳. عاملی، وسائل شیعه، ج ۵، ص ۵۲ و طبرسی، مستدرک وسائل، ج ۱۱، ص ۳۴.

۴. نور، ۵۵ و انبیاء: ۱۰۵.

۵. کاشانی، تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۵۷-۳۸۲ و ۴۴۴.

۵-۲. مهربانی و خیرخواهی

معیار دیگری که برای سبک زندگی منتظرانه در عصر غیبت وجود دارد، داشتن رفتارهایی برخاسته از روحیه نصیحت و خیرخواهی نسبت به دیگر دوستداران امام زمان عجل الله تعالی فرجه است؛ زیرا کسی که خود را در دوران غیبت و در جبهه انتظار و در صف درگیری با اهل باطل می بیند، به هم سنگرانش مهربان است. از همین رو، در بسیاری از احادیث مهدوی، امامان معصوم علیهم السلام به این نکته اشارات مختلفی داشته اند. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ وَلَا يَتَوَكَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَأَنَّ مِرْدِينَهُمْ حُسْنَ الصُّحْبَةِ وَحَسَنَ الْجَوَارِ وَبَذَلَ الْمَعْرُوفَ وَكَفَّ الْأَذَى وَبَسَطَ الْوَجْهَ وَالتَّصِيحَةَ وَالرَّحْمَةَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱ هر کس آن ها [امامان] را به نام خود و پدرانش نشناسد، و ولایت و رهبری آن ها را نپذیرد و بمیرد، به روش جاهلیت مرده است و از برنامه های دین آن ها: ...حسن مجالست و خوش همسایگی، احسان، بیزاری، گشاده رویی، خیرخواهی و ترحم به حال مؤمنان است.»

همچنین در کتاب های حدیثی آمده است که یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام می گوید:

«با جماعتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم و گفتیم: یا ابن رسول الله! ما عازم عراق هستیم؛ به ما سفارشی فرما. امام فرمود: «لِيَقُوَّ شَدِيدَكُمْ ضَعِيفَكُمْ وَ لِيُعْذَ غَنِيَّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ وَلَا تَبْقُوا سِرْنَا... وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُنتَظَرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ»^۲ باید توانای شما به ناتوانان کمک و ثروتمندان به فقیرتان احسان کند و راز ما را فاش نکنید و بدانید برای کسی که انتظار این امر ظهور امام قائم را دارد، مانند اجر روزه دار شب زنده دار است.»

بدین گونه منتظر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه پیش از آن که به دنبال آسایش و منافع شخصی خود باشد، از شیوه ای در زندگی تبعیت می کند که در آن راحتی دوستداران امام زمان را بر راحتی خود مقدم می دارد.

۶-۲. ایثار و فداکاری

«ایثار و فداکاری» آن است که شخص مال یا چیز دیگر را در عین احتیاج خود به دیگری ببخشد.

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

خدای تعالی در مدح ایثارگران می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى الْفَسِيهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»؛ آن‌ها دیگران را بر خود مقدم می‌دارند؛ هر چند شخصا شدیدا به آن نیازمند باشند.»
رسول خدا ﷺ نیز فرموده‌اند: «ایما امرء اشتهى شهوة فرد شهوته و اثر علی نفسه، غفر له؛^۲ هر مردی که چیزی را بخواهد و خود را از آن خواهش نگاه دارد و دیگری را بر خود ترجیح دهد، آمرزیده می‌شود.»

همچنین روایت شده است که روزی حضرت موسی (علیه السلام) فرمود:
«خدایا! برخی از درجات محمد ﷺ و امت او را به من بنمای. خداوند فرمود: «موسی، تو تاب این را نداری؛ لکن یکی از منزلت‌های او را به تو می‌نمایانم؛ منزلتی بزرگ که او را به سبب آن بر تو و بر همه خلق برتری داده ام.» آن گاه ملکوت آسمان‌ها را بر او مکشوف کرد. پس منزلتی را دید که نزدیک بود از درخشش انوار آن و قرب به خدا جاننش تلف شود. پرسید: خدایا! به چه چیز به این کرامت مخصوص گردیدی؟ خدا فرمود: «به خلق و خوبی که ویژه او ساختم و آن ایثار است. ای موسی! هیچ یک از آنان در عمر خود ایثار نخواهد کرد؛ مگر این که از حسابرسی او شرم خواهم داشت و او را در هر جای بهشت که خواهد، جای خواهم داد.»^۳

اگر در عصر غیبت و در روزگار انتظار در این زمینه تمرین نکرده باشیم، چگونه به امام منتظر جواب مثبت خواهیم داد و چگونه خواهیم گفت که ما منتظر شما بودیم و چگونه با فداکاری از جان خود و با تحمل سختی‌ها و چشم پوشی از لذایذ و آسایش خوبی‌ها و خوشحالی‌ها را برای دیگران هدیه خواهیم کرد؟ بنابراین، انتظار آن حضرت، می‌طلبد که با ایثار و فداکاری مالی، خود را برای شرکت در جهاد جانی آماده کنیم.

۷-۲. بصیرت و آگاهی

«بصیرت» به معنای بینش عمیق در مسائل فکری و اجتماعی است تا انسان فریب نخورد؛ باطل را به جای حق نپذیرد؛ مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرد؛ دچار فتنه‌های اجتماعی نشود و معنای «زندگی صحیح» را بر مبنای رهنمودهای دین بشناسد و پیرو امامان معصوم (علیهم السلام) باشد.

۱. حشر: ۹.

۲. شبیر، اخلاق، ص ۲۶۱.

۳. مجتبی، علم اخلاق اسلامی، ج ۳، ص ۱۶۴.

اگر چشم ظاهر برای زندگی روزمره راه و چاره است تا در چاه نیفتیم؛ بینایی و بصیرت نیز برای شناخت حق و باطل و دوست و دشمن و راه و بیراهه لازم است تا گمراه نشویم و بازیچه شیطان نگردیم. امام علی (علیه السلام) فرمود: «نظر النصر لا یجدی إذا غمیت البصیرة»؛ نگاه چشم فایده ای ندارد، آن گاه که چشم بصیرت کور باشد. «پیامبر خدا ﷺ نیز فرموده است: «لَیسَ الْأَعْمَى مِنْ یَعْمَى بَصَرَهُ إِنَّمَا الْأَعْمَى مَنْ تَعَمَّى بِصِیرَتِهِ»^۲ کور کسی نیست که چشمش نابینا باشد؛ کور کسی است که چشم بصیرتش کور باشد.» این سخن به ضرورت کسب معرفت صحیح دینی از راه‌های مطمئن و مورد قبول اشاره دارد. در عصر حضور امامان، دین و احکام آن را باید از آن معصومان فرا گرفت و در عصر غیبت از علمای دین که کارشناسان امور دینی‌اند. در این صورت، احتمال گمراهی و خطا بسیار کم‌تر است.

۱. آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۴۷.

۲. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۵۶.

نتیجه گیری

هدف نهایی از آفرینش انسان و جهان و فرستادن وحی و برانگیختن انبیا و اولیا، پرورش، تربیت و تکامل انسان است. خداوند برای تحقق این امر، برنامه جامع و کلان تربیتی خود را در قالب یک زنجیره، تربیتی متشکل از حلقه‌های تربیتی منظم و به هم پیوسته و متناسب با هر زمان و مکان و در قالب برنامه ای بلند مدت تنظیم کرده است.

تربیت مهدوی در عصر غیبت، به عنوان آخرین حلقه و مهم‌ترین قسمت از زنجیره تربیتی الهی، تجلی آخرین فرصت ادیان و نتیجه نهایی برنامه بلندمدت الهی در نظر گرفته شده است. در واقع تلاش‌های حضرت آدم (علیه السلام) و صد و بیست و چهار هزار پیغمبر و معصومان (علیهم السلام) برای تربیت بشر در حکومت مهدوی به طور کامل به ثمر می‌نشیند.

این مقاله در ابتدا به «مفهوم شناسی» و در ادامه به «انواع غیبت و اهمیت آن» و سپس به «آثار تربیتی غیبت در بعد فردی و اجتماعی» از نظر آیات و روایات و اسلام به این موضوع پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق، آثار تربیتی غیبت در بعد فردی عبارت است: خودسازی و آمادگی فردی، به یاد امام بودن، آراستگی به عدالت، دعا برای تعجیل در ظهور، آراستگی به تقوا عنوان زمینه ساز دیدار، یاد خدا و ذکر در عصر غیبت، نظم و برنامه ریزی، قناعت، بهره‌مندی از دین شناسی بنیادین، آراستگی به زینت صبر و حفظ ایمان. همچنین آثار تربیتی غیبت در بعد اجتماعی عبارت است از: لزوم اصلاح طلبی، آمادگی و جهاد، امید به آینده، تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی، حسن خلق و خیر خواهی و دلسوزی، ایثار و فداکاری و بصیرت و آگاهی.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، دار الفكر بی جا، ۱۳۹۹ ق.
۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، دار صادر بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۳. امامی کاشانی، محمد، گفتمان مهدویت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم ۱۳۸۷.
۴. امامی، اسدالله، حقوق معدنی، انتشارات اسلامی، بی جا، ۱۴۰۱ ق.
۵. امدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالحکم، خوانساری، انتشارات دانشگاه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۶.
۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ناشر: مدرسه، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۸۵.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات انصاریان، قم ۱۳۸۳.
۸. پطروشفسکی، ایلینا، نهضت سربداران خراسان، مترجم: کشاورز، انتشارات پیام، قم، ۱۳۵۱.
۹. جمعی از نویسندگان، نگاهی تحلیلی به زندگی حضرت مهدی علیه السلام، دبیرخانه دائمی اجلاس، تهران، بی تا.
۱۰. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق: علی اکبر غفاری، انتشارات موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
۱۱. حسینیان، روح الله، چهار قرن تلاش شیعه برای ماندن، نشر انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۲.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، نشر دلیل، بی جا، ۱۳۸۷.
۱۳. حیدر، رضوان، آثار تربیتی انتظار ظهور، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۴. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۱۵. خمینی، روح الله، ولایت فقیه، موسسه نشر آثار حضرت امام، قم ۱۳۷۳.
۱۶. دوان، شولتس، روانشناسی کمال، نشر پیکان، بی جا، ۱۳۹۶.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، مفردات الفاظ قران، محقق: صفوان عدنان داوودی، دار الشامیه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲.
۱۸. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶.
۱۹. شریعتمداری، علی، تعلیم تربیت اسلامی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.

۲۰. شیرازی، ناصر، امامت، انتشارات دار الکتب اسلامیه، تهران، ۱۳۸۵.
۲۱. صافی، لطف الله، امامت و مهدویت، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، قم، ۱۳۷۲.
۲۲. ———، منتخب الاثر، انتشارات مولف، بی جا، ۱۴۲۲ق.
۲۳. صدوق، کمال دین و تمام نعمه، انتشارات دار الکتب اسلامی، قم، ۱۳۹۷ق.
۲۴. ———، التوحید (للسدوق)، جامعه مدرسین، چاپ اول، قم، ۱۳۹۸ق.
۲۵. طباطبایی، سید محمدرضا، عطر انتظار، نشر: موسسه فرهنگی نور الائم، بی جا، ۱۳۸۸.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴.
۲۷. طبرسی احمد بن علی، مجمع البیان، انتشارات کتابخانه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳ق.
۲۸. ———، مکارم اخلاق، انتشارات موسسه الاعلی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۲ق.
۲۹. ———، الاحتیاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۳۰. طوسی، محمد ابن حسن، الغیبه، انتشارات موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۳۱. طوسی، نصیر الدین، محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، محقق: محمد جواد حسینی جلالی، مکتب الإعلام الإسلامی، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۲. عاملی، محمد ابن حسن، وسائل شیعہ، محقق: موسسه ال بیت للإحياء التراث، بیروت، بی تا.
۳۳. عسکری، حسن بن عبدالله، ابو هلال الفروق الغویه، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۹۸.
۳۴. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، مترجم: بها الدین خرمشاهی، خوارزمی، قم، بی تا.
۳۵. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، الهادی، مترجم: موسوی، بی جا، ۱۳۹۰.
۳۶. قندوزی، سید سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، بی نا، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۳ق.
۳۷. کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، محقق: محسن کوچه باغی، موسسه الا علمی، تهران، ۱۳۶۲.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: مصطفوی، انتشارات کتاب فروشی اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۳۹. مجتبی، جلال الدین، علم اخلاق اسلامیه، انتشارات بهمن، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.

۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۴۱. محدثی، جواد، زندگی مهدوی، موسسه بنیاد فرهنگی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
۴۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا.
۴۳. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، انتشارات صدرا، بی جا، ۱۳۹۵.
۴۴. مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۶.
۴۵. موسسه فرهنگی انتظار نور، گفتمان مهدویت: سخنرانی و مقاله‌های گفتمان چهارم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) (ایران)، قم، ۱۳۸۷.
۴۶. نراقی، احمد، معراج السعادت، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۷.
۴۷. نجم، نجمه، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، قم، ۱۳۹۶.